

پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

Prediction of Adolescents' Vulnerability Based on Family Conflicts and Parent-Child Relationship Quality with the Mediating Role of Coping Strategies

Neda Bagheri

Master of General Psychology, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Iran.

Email: Neda.bagheri@yahoo.com

ندا باقری^۱

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، غرب، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict adolescents' vulnerability based on family conflicts and the quality of the parent-child relationship, with coping strategies as a mediating factor. This research employed a descriptive-correlational design. The population included all high school students (10th to 12th grades) in Tehran during the 2023-2024 academic year. Based on Krejcie and Morgan's sampling table, a sample of 384 students was selected using multi-stage cluster sampling. Data were collected using the Adolescent Vulnerability Questionnaire, the Family Conflict Scale (Netemeyer, 1996), the Parent-Child Relationship Scale (Pianta, 1994), and the Coping Strategies Inventory (Lazarus & Folkman, 1980). Regression analysis results indicated that the quality of the parent-child relationship ($\beta = -0.979$) and coping strategies ($\beta = -0.773$) significantly reduced adolescents' vulnerability, whereas family conflicts had a significant positive relationship with increased vulnerability. Overall, the findings suggest that a high-quality parent-child relationship and effective use of coping strategies serve as protective factors against adolescents' psychosocial vulnerability, while family conflicts act as a risk factor. These results can inform the development of psychological interventions and parenting education programs.

Keyword: Adolescent vulnerability, Family conflict, Parent-child relationship quality, Coping strategies.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی (پایه‌های دهم تا دوازدهم) شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های آسیب‌پذیری نوجوانان، تعارض‌های خانوادگی (نت‌میر، ۱۹۹۶)، کیفیت رابطه والد-فرزند (پیانتا، ۱۹۹۴) و راهبردهای مقابله‌ای (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۰) استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که کیفیت رابطه والد-فرزند با ضریب استاندارد شده $B = -0.979$ و راهبردهای مقابله‌ای با $B = -0.773$ به‌طور معناداری آسیب‌پذیری نوجوانان را کاهش می‌دهند. همچنین، تعارض‌های خانوادگی رابطه‌ای مثبت و معنادار با افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان دارد. به‌طور کلی، یافته‌ها بیانگر آن است که کیفیت بالای رابطه والد-فرزند و استفاده مؤثر از راهبردهای مقابله‌ای نقش محافظتی در برابر آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی نوجوانان دارند، در حالی که تعارض‌های خانوادگی به‌عنوان یک عامل خطرزا عمل می‌کنند. این نتایج می‌تواند در برنامه‌ریزی مداخلات روان‌شناختی و آموزش‌های والدگری مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری نوجوانان، تعارض خانوادگی، کیفیت رابطه والد فرزند، راهبردهای مقابله‌ای.

نوع مقاله: پژوهشی دریافت: دی ۱۴۰۴ پذیرش: اسفند ۱۴۰۴

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین بستر رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد، نقش کلیدی در سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. در این میان، کیفیت رابطه والد-فرزندی به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری رفتارها، هیجانات و توانایی‌های مقابله‌ای نوجوانان شناخته می‌شود. ارتباط سالم و حمایتی میان والدین و فرزندان می‌تواند نوجوانان را در برابر چالش‌های زندگی مقاوم‌تر سازد، در حالی که تنش‌ها و تعارض‌های خانوادگی ممکن است زمینه‌ساز مشکلات روان‌شناختی و آسیب‌پذیری آنان شود.

عوامل مختلفی می‌توانند به آسیب‌پذیری نوجوانان منجر شوند، یکی از این عوامل مشکلات خانوادگی، تعارض‌های خانوادگی، طلاق والدین، کمبود حمایت عاطفی، بی‌ثباتی در محیط خانواده و ضعف کیفیت روابط والد-فرزند می‌تواند به آسیب‌پذیری نوجوانان افزوده و زمینه‌ساز مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی و رفتارهای پرخطر شود. تعارض‌های خانوادگی به عنوان یکی از عوامل استرس‌زا می‌توانند تأثیرات منفی بر سلامت روانی و رفتاری نوجوانان داشته باشند. مطالعات نشان داده‌اند که تعارض‌های خانوادگی می‌توانند منجر به افزایش رفتارهای پرخطر، افسردگی و اضطراب در نوجوانان شوند.

این پژوهش می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرآیندهای پیچیده‌ای که به آسیب‌پذیری نوجوانان منجر می‌شود، کمک کند و راهکارهایی برای کاهش تعارض‌های خانوادگی، بهبود کیفیت رابطه والد-فرزند و تقویت راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان ارائه دهد. نتایج چنین پژوهشی می‌تواند به والدین، مشاوران خانواده و سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌ها و مداخلات هدفمندی برای حمایت از نوجوانان طراحی کنند و از تأثیرات منفی محیط خانواده بر رشد و سلامت روانی آن‌ها پیشگیری کنند.

مبانی نظری

تعریف تعارض خانوادگی

تقابل میان کار و خانواده یکی از موضوعات مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها در ۲۵ سال گذشته بوده است (گرین هوس و پاول^۱، ۱۹۹۶) علوم مدیریت و روانشناسی نیز علاقه بسیاری به مطالعه اینکه چگونه مردان و زنان میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی خود تعادل ایجاد می‌کنند، داشته‌اند (ادوارد و روئبارد^۲، ۲۰۰۰؛ کرچ میر^۳، ۱۹۹۲؛ کوسک، نویی و دمار^۴، ۱۹۹۹)؛ در این میان با تغییر در ماهیت و ساختار نقش‌های کاری و خانوادگی، مانند شاغل شدن زوجین، حضور بیشتر زنان در مشاغل و کم رنگ شدن برخی نقش‌های سنتی در مسئولیت‌های زندگی خانوادگی افراد (بارنت و هاید^۵، ۲۰۰۱؛ ادوارد و روث بارد^۶، ۲۰۰۰؛ جنکینز، رپتی و کروتر^۷، ۲۰۰۰) مطالعات بسیاری در این زمینه انجام شده است (به نقل از، شاین و چن^۷، ۲۰۱۱).

¹ Greenhaus & Powell² Edwards & Rothbard³ Kirchmeyer⁴ Kossek, Noe, & Demarr⁵ Barnett & Hyde⁶ Perry-Jenkins, Repetti, & Crouter⁷ Shien & Chen

سنجش روابط والد- فرزند

مجموعه قابل توجهی از تحقیقات نشان داده است که کیفیت رابطه والد-کودک برای رشد عاطفی اوایل کودکی بسیار مهم است و پیامدهای سلامتی برای زندگی بعدی دارد (میلر، چن، و پارکر، ۲۰۱۱؛ مورگان، بروگا، فرایرز، و استوارت براون، ۲۰۱۲؛ ریشر، ۲۰۰۴؛ شونکف و همکاران، ۲۰۱۲). علیرغم اهمیت رابطه والد-کودک، چالش‌های زیادی در ارزیابی آن باقی مانده است. اگرچه از اصطلاح رابطه «والد-کودک»^۱ استفاده شده است، اما کلمه والد برای منعکس کردن ناهمگونی در انواع مراقبینی است که ممکن است مسئول اصلی مراقبت از کودک باشند. ما والدین را به عنوان مراقبان اصلی تعریف می‌کنیم که از کودک در طول یک دوره پایدار در زندگی روزمره با مسائل کلی مانند پرورش، خواب، نظافت، محافظت، بازی یا تصمیم‌گیری پزشکی حمایت می‌کنند. با این وجود، اشکال گوناگون خانواده دیگری وجود دارند و از نظر فراوانی در فرهنگ‌ها متفاوت هستند، مانند زمانی که مراقب اصلی پدر بزرگ و مادر بزرگ، خواهر یا برادر بزرگ‌تر، والدین رضاعی^۲ یا سایر بستگان باشد (فوران، فرود، کوب، و وامبولت، ۲۰۲۰).

هدف از ارزیابی رابطه والد و فرزند

تجربیات روابط اولیه دوران کودکی برای رشد سالم کودک در بسیاری از زمینه‌ها ضروری است. چندین مطالعه اپیدمیولوژیک بزرگ نشان داده است که مشکلات رابطه والد-کودک (PCRPP)^۳ یکی از خطرات روانی اجتماعی قابل توجه برای مشکلات سلامت روان در جوانان است (کوپلند، شاناهان، کاستلو، و آنگولد، ۲۰۰۹؛ منارد، باندین روج، و چیلکوت، ۲۰۰۴). نه تنها خطر مشکلات رفتاری و عاطفی در دوران کودکی افزایش می‌یابد، بلکه تأثیر منفی PCRPP بر سلامت روان تا بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد (کارلسون، ۱۹۹۸؛ کریتندن، ۱۹۹۵؛ دوزیر، استووال- مک کلاف، و آلبوس، ۲۰۰۸؛ وینسپر، زانارینی و ولکه، ۲۰۱۲).

تعریف راهبردهای مقابله‌ای

راهبردهای مقابله‌ای به عنوان روش‌هایی تعریف می‌شوند که افراد برای مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا و چالش‌برانگیز به کار می‌گیرند. این راهبردها شامل دو نوع کلی هستند:

- راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور: تمرکز بر حل مستقیم مشکل و تغییر موقعیت استرس‌زا.
- راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور: تمرکز بر تنظیم هیجان‌ها و کاهش تنش‌های ناشی از استرس (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴).

راهبردهای مقابله‌ای سازش یافته و سازش نیافته

پاسخ‌های واقعی فرد نسبت به فشار روانی به دو گروه متمایز تقسیم می‌شود: نخست، پاسخ‌های سازش یافته یعنی آن‌ا عملی که کمک می‌کند فشار روانی کاهش یابد و بدن را به حالت تعادل بازگرداند. دوم، راهبردهای سازش نیافته یعنی آن‌ا عملی که به تشدید انتظارات موجود کمک می‌کند و بدن را در وضعیت بی‌ثباتی قرار می‌دهد (پاول و انرایت، ۱۹۹۱، ترجمه بخشی پور رودسری و صبوری مقدم، ۱۳۸۰؛ خدایاری فرد و پرنده، ۱۳۹۰).

به کارگیری راهبردهای سازش یافته پیامدهای مثبت و طولانی مدت دارد. به این ترتیب که تنش به وسیله تلاش‌های فرد کاهش می‌یابد و به دنبال آن سطح عزت نفس و مهارت وی افزایش می‌یابد و سلامت او تأمین می‌شود. در عین حال شخص در برابر عوامل تنش‌زا که در آینده با آن مواجه می‌شود مقاوم‌تر می‌گردد (خدایاری فرد و پرنده، ۱۳۹۰، ص ۳۸). مقابله سازش یافته احتمالاً شامل این موارد می‌شود:

¹ Parent-child

² Foster parent

³ Parent-child relationship problems (PCRPP)

بازشناسی منابع فشار روانی خارجی و انتظارات و آگاهی از منابع فردی جهت مقابله، شناختی اساسی از آنچه در گذر است- این شناخت عبارت است از نگرانی طبیعی از موقعیت به همراه اتخاذ رویکردی مبتنی بر حل مسئله؛ انجام عملی به منظور کاهش انتظارات خارجی- چنین عملی اتخاذ راهبردهایی را در بر می‌گیرد چون ایجاد تغییراتی در زندگی، تعیین هدفها، تصمیم‌گیری در مورد اولویتها، استفاده بهینه از زمان، مشورت جویی، ابراز وجود بیشتر؛ اتخاذ عملی جهت کاهش درخواستهای درونی- این عمل نیز مواردی چون اختصاص زمان برای استراحت جسمانی، تغییر الگوهای مضر اندیشیدن، تخلیه کردن عواطف و هیجانات واپس زده شده و تلاش آگاهانه برای تغییر رفتار را شامل می‌شود (پاول و انرایت، ۱۹۹۱، ترجمه بخشی پور رودسری و صبوری مقدم، ۱۳۸۰، ص ۴۶ و ۴۷).

پیشینه‌ی پژوهشی

پیشینه‌ی داخلی

پازوکی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس تعارض والد- فرزند با میانجیگری تنظیم هیجانی در نوجوانان خانواده‌های طبقه پایین پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل ارائه شده در پژوهش حاضر از برازش مطلوبی برخوردار بود. یافته‌ها نشان داد نقش میانجی متغیر تنظیم هیجان در رابطه میان تعارض والد- فرزند با اختلال اضطراب اجتماعی رابطه وجود دارد.

قدیمی و همکاران (۱۴۰۳) به پیش‌بینی گرایش به خشونت نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی با نقش واسطه‌ای کیفیت روابط والد-فرزند پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین تعارض‌های خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان رابطه مثبت و بین کیفیت روابط والد-فرزند با گرایش به خشونت و تعارض‌های خانوادگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). کیفیت روابط والد-فرزند نقش واسطه بین تعارضات خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان داشت ($p < 0/01$). از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تعارض‌های خانوادگی و کیفیت روابط والد-فرزند نقش کلیدی در گرایش به خشونت نوجوانان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش گرایش به خشونت نوجوانان ضروری است.

شایق و همکاران (۱۴۰۳) به نقش عوامل خانوادگی در پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی با واسطه‌گری مهارت‌های اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که از میان عوامل خانوادگی، استرس والدین و پذیرش اجتماعی بر پرخاشگری اثر مستقیم دارند که اثر استرس والدین بر پرخاشگری مثبت و اثر پذیرش اجتماعی بر پرخاشگری منفی است. هم‌چنین شفقت به خود از طریق استرس والدین و پذیرش اجتماعی رابطه منفی و غیرمستقیم با پرخاشگری و عدم مهارت‌های اجتماعی دارد.

پیشینه‌ی خارجی

کانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی تعارض والدین و احساسات نامطلوب اجتماعی نوجوانان: نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده پرداخته‌اند. تجربه کلی از احساسات نامطلوب اجتماعی نوجوانان در سطح متوسط بود. (۱) تجربه خجالتی و تنهایی پسران به طور قابل توجهی بیشتر از دختران بود. تجربه کمرویی و تنهایی در کلاس دوم به‌طور قابل توجهی بیشتر از کلاس اول بود. (۲) تعارض والدین به طور معناداری با عملکرد خانواده و به طور معناداری با احساسات نامطلوب اجتماعی نوجوانان همبستگی مثبت داشت. در حالی که عملکرد خانواده به طور معناداری با احساسات نامطلوب اجتماعی نوجوانان همبستگی منفی داشت. (۳) عملکرد خانواده تا حدی واسطه رابطه بین تعارض والدین و کمرویی نوجوانان است و به طور کامل رابطه بین تعارض والدین و تنهایی نوجوانان را واسطه می‌کند.

^۱ Kong

کپتانویچ^۱ و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی پویایی خانواده: اثرات مثبت غیرمنتظره درمان مشکلات بازی نوجوانان بر روابط خانوادگی پرداخته‌اند. نوجوانان گروه مداخله کاهش تعارض خانوادگی و تغییر در شیوه‌های خاص والدینی، از جمله تحقیق کمتر، قوانین کمتر و نفوذ در مورد بازی پس از درمان را گزارش کردند. در مقابل، گروه کنترل کاهش انسجام خانواده را در ارزیابی پس از درمان گزارش کردند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند در پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای انجام شده است. برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط بین متغیرها، از روش تحقیق توصیفی-همبستگی استفاده شده است. این روش زمانی به کار می‌رود که هدف پژوهش، مطالعه رابطه میان متغیرها بدون دخالت یا دست‌کاری پژوهشگر باشد. در این نوع پژوهش، داده‌ها به صورت میدانی گردآوری شده و تحلیل روابط میان متغیرها از طریق روش‌های آماری پیشرفته انجام شد.

از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال تبیین روابط علی و تحلیل ساختار بین متغیرهای آشکار و پنهان است، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) بهره گرفته شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری روشی قدرتمند و چندمتغیره است که به پژوهشگر امکان می‌دهد همزمان چندین رابطه علی و همبستگی میان متغیرهای مکنون و مشاهده‌شده را مورد ارزیابی قرار دهد. با استفاده از این روش می‌توان الگوی مفهومی پژوهش را آزمود، برازندگی آن را ارزیابی کرد و روابط مستقیم و غیرمستقیم میان متغیرها را تحلیل نمود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این پژوهش در دو مرحله تحلیل شده‌اند. در مرحله نخست، از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده شد تا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مانند جنسیت، سن و تحصیلات و همچنین وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش به صورت اولیه توصیف شوند. این مرحله به درک بهتر از توزیع داده‌ها و ویژگی‌های کلی شرکت‌کنندگان کمک کرده و زمینه‌ساز تحلیل‌های پیشرفته‌تر شده است.

در مرحله دوم، برای بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش‌های آمار استنباطی بهره گرفته شد. در این بخش، ابتدا از ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش ارتباط میان متغیرهای مستقل (تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند)، متغیر میانجی (راهبردهای مقابله‌ای) و متغیر وابسته (آسیب‌پذیری نوجوانان) استفاده گردید. سپس، برای پیش‌بینی میزان آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس متغیرهای مذکور، رگرسیون چندگانه به کار گرفته شد. در نهایت، به منظور بررسی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با در نظر گرفتن نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام پذیرفت.

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

تدوین الگوی ساختاری رابطه تعارض‌های خانوادگی کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان و نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای.

¹ Kapetanovic

اهداف اختصاصی:

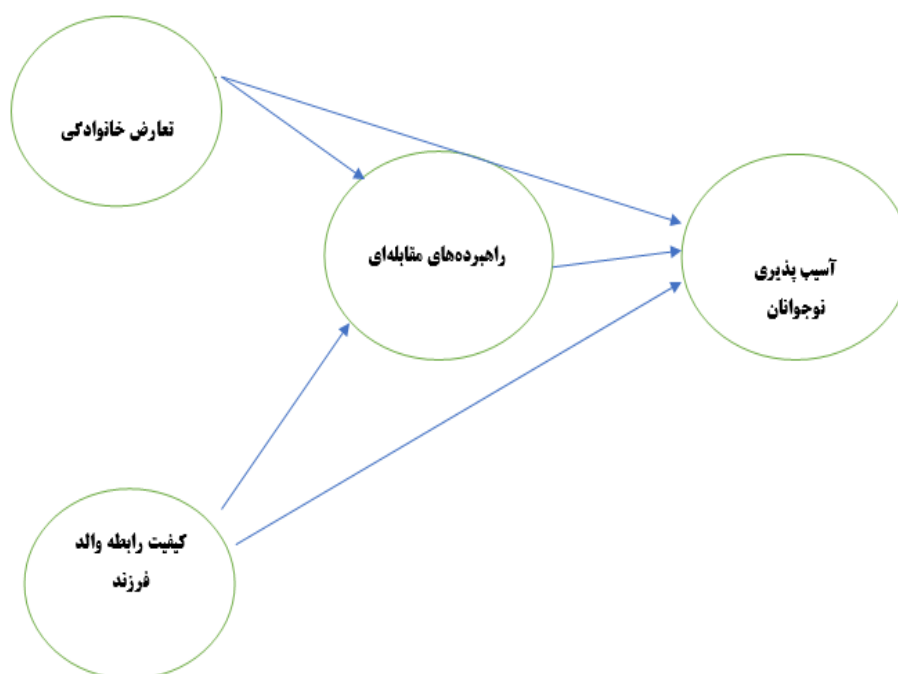
- تعیین اثر مستقیم تعارض‌های خانوادگی بر آسیب پذیری نوجوانان
- تعیین اثر مستقیم کیفیت رابطه والد-فرزند بر آسیب پذیری نوجوانان
- تعیین اثر مستقیم راهبردهای مقابله‌ای بر آسیب پذیری نوجوانان
- تعیین اثر غیرمستقیم تعارض‌های خانوادگی بر آسیب پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای
- تعیین اثر غیر مستقیم کیفیت رابطه والد-فرزند بر آسیب پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

فرضیه‌های پژوهش**فرضیه اصلی:**

الگوی ساختاری رابطه تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با آسیب پذیری نوجوانان و نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای با داده‌های گردآوری شده برازش دارد.

فرضیه‌های اختصاصی:

- تعارض‌های خانوادگی با آسیب پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.
- کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.
- راهبردهای مقابله‌ای با آسیب پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.
- تعارض‌های خانوادگی با آسیب پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیر مستقیم دارد.
- کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیرمستقیم دارد.

مدل پژوهشی تحقیق

نمودار شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

پیش‌بینی آسیب پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهشی

آمار استنباطی:

در این بخش به آزمون فرضیه‌های پرداخته شده است.

فرضیه اختصاصی اول: تعارض‌های خانوادگی بر آسیب پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

باتوجه به اینکه فرضیه به دنبال اثر یک متغیر بر متغیر دیگر است و سطح سنجش متغیر فاصله‌ای می‌باشد لذا از آزمون رگرسیون خطی برای بررسی فرضیه استفاده شده است. همچنین نتایج رگرسیون خطی به منظور پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل صورت گرفته است ابتدا به پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱: پیش فرض نرمال بودن داده‌ها

متغیر	کولموگروف اسمیرنوف			شاپیرو	
	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار	درجه آزادی
آسیب پذیری	۰.۱۳۹	۱۴۶	۰.۶۳۰	۰.۹۷۹	۱۴۶
تعارض	۰.۰۸۱	۱۴۶	۰.۶۷۰	۰.۹۸۶	۱۴۶

برای بررسی جدول نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو استفاده شده است براساس نتایج بدست آمده با توجه به این که سطح معناداری بیشتر از ۵ صدم بدست آمده است لذا می‌توان بیان کرد که این پیش‌فرض مورد تایید واقع شده است و داده‌های پژوهش نرمال می‌باشند.

جدول ۲: پیش فرض همبستگی بین متغیرها

کیفیت	آسیب
کیفیت	۱
آسیب	-۰.۷۷**

یکی از پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون، ماتریس همبستگی بین متغیرها می‌باشد بدین ترتیب برای بررسی این پیش‌فرض از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است براساس نتایج بدست آمده رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد.

جدول ۳: پیش‌بینی آسیب پذیری بر اساس کیفیت

سطح معناداری	t	استاندارد نشده		مدل
		Beta	Std. Error	
۰.۰۰۰	۲۰.۵۵۸	۶۷.۵۹۲	۳.۲۸۸	Constant
۰.۰۰۰	۱۷.۳۷۳	۱.۷۸۴	۰.۱۰۳	نمره کل تعارض

براساس نتایج تحلیل رگرسیون، متغیر «نمره کل تعارض‌های خانوادگی» تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر آسیب‌پذیری نوجوانان دارد. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد نشده $B = 1.784$ نشان می‌دهد که با هر واحد افزایش در میزان تعارض‌های خانوادگی، میانگین آسیب‌پذیری نوجوانان به‌طور متوسط ۱.۷۸۴ واحد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب استاندارد شده (۰.۶۶۲) $Beta =$ حاکی از آن است که تعارض خانوادگی تأثیر نسبتاً قوی و مثبت بر آسیب‌پذیری دارد. آماره‌ی ($t = 17.373$) در

سطح معناداری $p = 0.0001$ کمتر از 0.001 نیز بیانگر آن است که این اثر از نظر آماری کاملاً معنادار است. در نتیجه، می‌توان گفت که افزایش تعارض‌های خانوادگی به‌طور معناداری با افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان همراه است و این فرضیه به‌طور کامل تأیید می‌شود.

جدول ۴: مدل برازش رگرسیون:

مدل	R	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف	دوربین واتسون
۱	۰.۶۶۲ ^a	۰.۴۳۹	۰.۴۳۷	۸۸۷۹۸۴	۲.۲۲۰

براساس نتایج بدست آمده ۴۳ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

فرضیه اختصاصی دوم: کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

باتوجه به اینکه فرضیه به دنبال اثر یک متغیر بر متغیر دیگر است و سطح سنجش متغیر فاصله‌ای می‌باشد لذا از آزمون رگرسیون خطی برای بررسی فرضیه استفاده شده است. همچنین نتایج رگرسیون خطی به منظور پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل صورت گرفته است ابتدا به پیش فرض نرمال بودن داده‌ها پرداخته شده است.

جدول ۵: پیش فرض نرمال بودن داده‌ها

متغیر	کولموگروف اسمیرنوف			شاپیرو		
	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
رابطه والد فرزند	۰.۱۱۲	۱۴۶	۰.۶۵۰	۰.۹۷۷	۱۴۶	۰.۰۹۰
آسیب‌پذیری	۰.۱۳۹	۱۴۶	۰.۶۳۰	۰.۹۷۹	۱۴۶	۰.۰۶۰

برای بررسی جدول نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو استفاده شده است. براساس نتایج بدست آمده با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۵ صدم بدست آمده است لذا می‌توان بیان کرد که این پیش فرض مورد تأیید واقع شده است و داده‌های پژوهش نرمال می‌باشند.

جدول ۶: همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

کیفیت	آسیب
کیفیت	آسیب
۱	۱
۱	-۰.۹۷**

یکی از پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون، ماتریس همبستگی بین متغیرها می‌باشد بدین ترتیب برای بررسی این پیش فرض از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد.

پیش‌بینی آسیب پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

جدول ۷: آزمون رگرسیون خطی بین آسیب پذیری و کیفیت رابطه والد فرزند

مدل	استاندارد نشده		استاندارد شده		سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta	t	
مقدار ثابت	۲۲۷.۹۷۲	۱.۱۱۲		۲۰۴.۹۹۷	۰.۰۰۰
نمره کل کیفیت رابطه	-۱.۱۳۱	۰.۰۱۲	-۰.۹۷۹	-۹۳.۹۱۶	۰.۰۰۰

بر اساس نتایج رگرسیون ارائه شده، متغیر «نمره کل کیفیت رابطه والد-فرزند» توانسته است به طور معناداری آسیب‌پذیری نوجوانان را پیش‌بینی کند. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد نشده برای این متغیر برابر با ۱.۱۳۱- است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در نمره کیفیت رابطه، به طور متوسط ۱.۱۳۱ واحد از میزان آسیب‌پذیری نوجوانان کاسته می‌شود. ضریب استاندارد شده (Beta) نیز برابر با ۰.۹۷۹- است که نشان‌دهنده‌ی قدرت بالای اثر این متغیر بر آسیب‌پذیری است؛ به طوری که کیفیت رابطه والد-فرزند بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد. آماره‌ی t مربوط به این متغیر برابر با ۹۳.۹۱۶- است که در سطح معناداری $p < 0,001$ معنادار گزارش شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی منفی و بسیار قوی و معناداری بین کیفیت رابطه والد-فرزند و آسیب‌پذیری نوجوانان وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه کیفیت رابطه والد-فرزند بهتر باشد، سطح آسیب‌پذیری نوجوانان به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد.

جدول ۸: مدل برازش رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف	دوربین واتسون
۱	۰.۹۷۹	۰.۹۵۸	۰.۹۵۸	۲.۴۲۷۱۶	۱.۸۶۰

بر اساس نتایج بدست آمده ۹۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

فرضیه اختصاصی سوم: راهبردهای مقابله‌ای با آسیب‌پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

باتوجه به اینکه فرضیه به دنبال اثر یک متغیر بر متغیر دیگر است می‌باشد و سطح سنجش متغیر فاصله‌ای می‌باشد لذا از آزمون رگرسیون خطی برای بررسی فرضیه استفاده شده است. همچنین نتایج رگرسیون خطی به منظور پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل صورت گرفته است ابتدا به پیش فرض نرمال بودن داده‌ها پرداخته شده است.

جدول ۹: پیش فرض نرمال بودن داده‌ها

متغیر	کولموگروف اسمیرنوف		شاپیرو	
	مقدار	درجه آزادی	مقدار	درجه آزادی
آسیب‌پذیری	۰.۱۳۹	۱۴۶	۰.۹۷۹	۱۴۶
راهبردهای مقابله‌ای	۰.۱۱۰	۱۴۶	۰.۹۸۱	۱۴۶

برای بررسی جدول نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو استفاده شده است بر اساس نتایج بدست آمده با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۵ صدم بدست آمده است لذا می‌توان بیان کرد که این پیش فرض مورد تایید واقع شده است و داده‌های پژوهش نرمال می‌باشند.

جدول ۱۰: پیش فرض همبستگی بین متغیرها

کیفیت	آسیب
۱	۱
	آسیب
	کیفیت
	-0.77^{**}

یکی از پیش فرض‌های آزمون رگرسیون، ماتریس همبستگی بین متغیرها می‌باشد بدین ترتیب برای بررسی این پیش فرض از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است بر اساس نتایج بدست آمده رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد.

جدول ۱۱: پیش‌بینی آسیب‌پذیری بر اساس راهبردهای مقابله‌ای

مدل	استاندارد نشده		استاندارد شده		سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta	t	
مقدار ثابت	۲۲۰.۲۶۱	۴۰.۲۸		۵۴.۶۸۱	۰.۰۰۰
نمره کل راهبرد مقابله‌ای	-۰.۵۱۷	۰.۰۲۲	-۰.۷۷۳	۲۳.۹۶۲	۰.۰۰۰

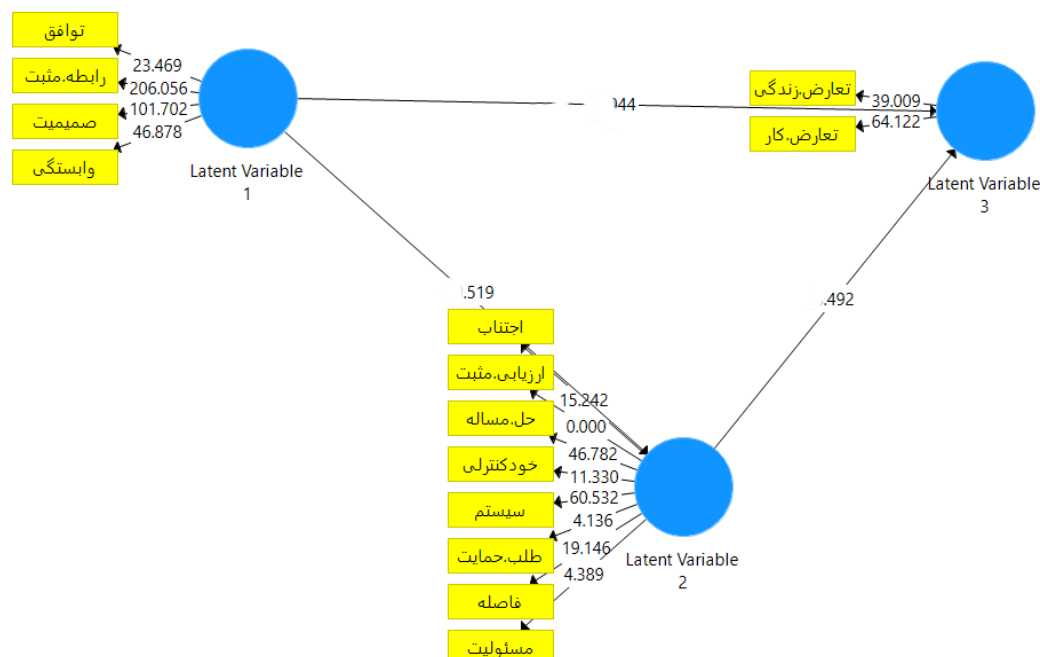
بر اساس نتایج رگرسیون، متغیر «نمره کل راهبردهای مقابله‌ای» تأثیر معنادار و مستقیمی بر میزان آسیب‌پذیری نوجوانان دارد. ضریب رگرسیون استاندارد نشده $B = -0.517$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در استفاده از راهبردهای مقابله‌ای، میانگین آسیب‌پذیری نوجوانان به طور متوسط 0.517 واحد کاهش می‌یابد. همچنین، ضریب استاندارد شده $Beta = 0.773$ (حاکمی از آن است که این متغیر تأثیر نسبتاً قوی و منفی بر آسیب‌پذیری دارد. آماره $t = -23.962$ و سطح معناداری $p = 0.000$ (کمتر از 0.001) نشان‌دهنده آن است که این رابطه از نظر آماری کاملاً معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که راهبردهای مقابله‌ای نقش مهم و کاهنده‌ای در سطح آسیب‌پذیری نوجوانان دارند؛ به عبارت دیگر، هرچه نوجوانان بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر استفاده کنند، آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد.

جدول ۱۲: مدل برازش رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف	دوربین واتسون
۱	0.958^a	۰.۹۱۸	۰.۹۱۵	۱.۲۶	۱.۹۲۱

بر اساس نتایج بدست آمده ۹۱ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

فرضیه اختصاصی چهارم: کیفیت رابطه والد-فرزند بر آسیب‌پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیرمستقیم دارد.



شکل ۱: مدل ارتباط متغیرهای تحقیق

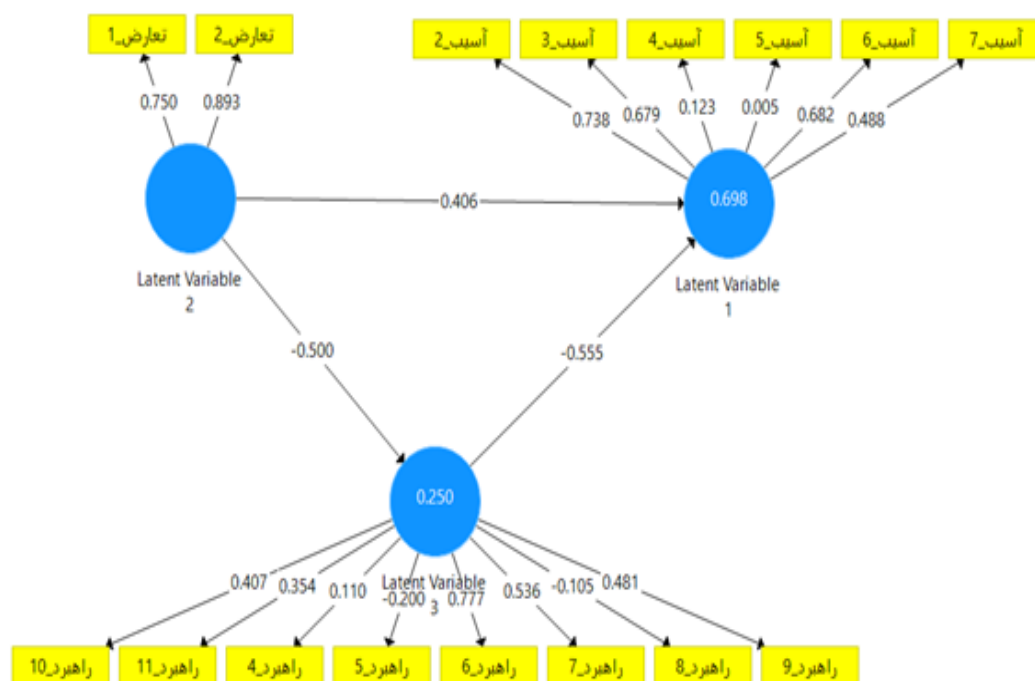
بر اساس فرضیه‌ی فوق، کیفیت رابطه والد-فرزند بر آسیب‌پذیری نوجوانان هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق راهبردهای مقابله‌ای اثر می‌گذارد. ضریب مسیر مستقیم بین کیفیت رابطه والد-فرزند و آسیب‌پذیری منفی و معنادار است ($\beta = -0.44$) که نشان می‌دهد هرچه کیفیت رابطه بهتر باشد، آسیب‌پذیری نوجوانان کاهش می‌یابد. همچنین مسیر کیفیت رابطه با راهبردهای مقابله‌ای مثبت و معنادار است ($\beta = 0.51$)، یعنی روابط خوب والد-فرزند موجب تقویت راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان می‌شود. در نهایت، راهبردهای مقابله‌ای خود اثر منفی بر آسیب‌پذیری دارند ($\beta = -0.49$)، به این معنا که استفاده بیشتر از این راهبردها می‌تواند آسیب‌پذیری را کاهش دهد. بنابراین، اثر غیرمستقیم کیفیت رابطه والد-فرزند از طریق راهبردهای مقابله‌ای نیز قابل توجه است و به کاهش آسیب‌پذیری کمک می‌کند.

جدول ۱۳: مدل برازش معادلات ساختاری

شاخص برازندگی	مقدار مطلوب	مقدار به دست آمده (نمونه‌ای)	نتیجه
(نسبت کای دو به درجه آزادی) χ^2/df	کمتر از ۳	2.05	مطلوب
(شاخص برازندگی) GFI	بالاتر از ۰.۹۰	0.92	مطلوب
(شاخص برازندگی تعدیل شده) AGFI	بالاتر از ۰.۹۰	0.90	قابل قبول
(شاخص برازندگی تطبیقی) CFI	بالاتر از ۰.۹۰	0.94	مطلوب
(شاخص برازندگی نرم شده) NFI	بالاتر از ۰.۹۰	0.92	مطلوب
(ریشه میانگین مربعات خطای تقریب) RMSEA	کمتر از ۰.۰۸	0.052	مطلوب

نتایج جدول نشان می‌دهد که مدل دوم نیز از برازش مطلوبی برخوردار است. نسبت χ^2/df کمتر از ۳ و RMSEA کمتر از ۰.۰۸ است که نشان‌دهنده خطای تقریب پایین مدل است. شاخص‌های CFI، NFI و GFI همگی بالاتر از ۰.۹۰ هستند و برازش قوی مدل را تأیید می‌کنند. در نتیجه، مدل به خوبی می‌تواند روابط میان کیفیت رابطه والد-فرزند، راهبردهای مقابله‌ای و آسیب‌پذیری نوجوانان را تبیین نماید.

فرضیه اختصاصی پنجم: تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیرمستقیم رابطه دارد



شکل ۲: مدل ارتباط متغیرهای تحقیق

در این مدل تعارض‌های خانوادگی (متغیر پنهان ۲) به طور مستقیم بر آسیب‌پذیری نوجوانان (متغیر پنهان ۱) اثر می‌گذارد و همچنین از طریق راهبردهای مقابله‌ای (متغیر پنهان ۳) نقش میانجی‌گری بررسی شده است. همانطور که ضرایب مسیر نشان می‌دهد، تأثیر مستقیم تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری مثبت و معنادار است $\beta=0.406$ ، در حالی که اثر غیرمستقیم از طریق راهبردهای مقابله‌ای منفی ظاهر شده است $\beta=-0.500$ به راهبردها $\beta=-0.555$ از راهبردها به آسیب‌پذیری. این الگو بیانگر آن است که استفاده از راهبردهای مقابله‌ای می‌تواند شدت اثر تعارض خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان را کاهش دهد.

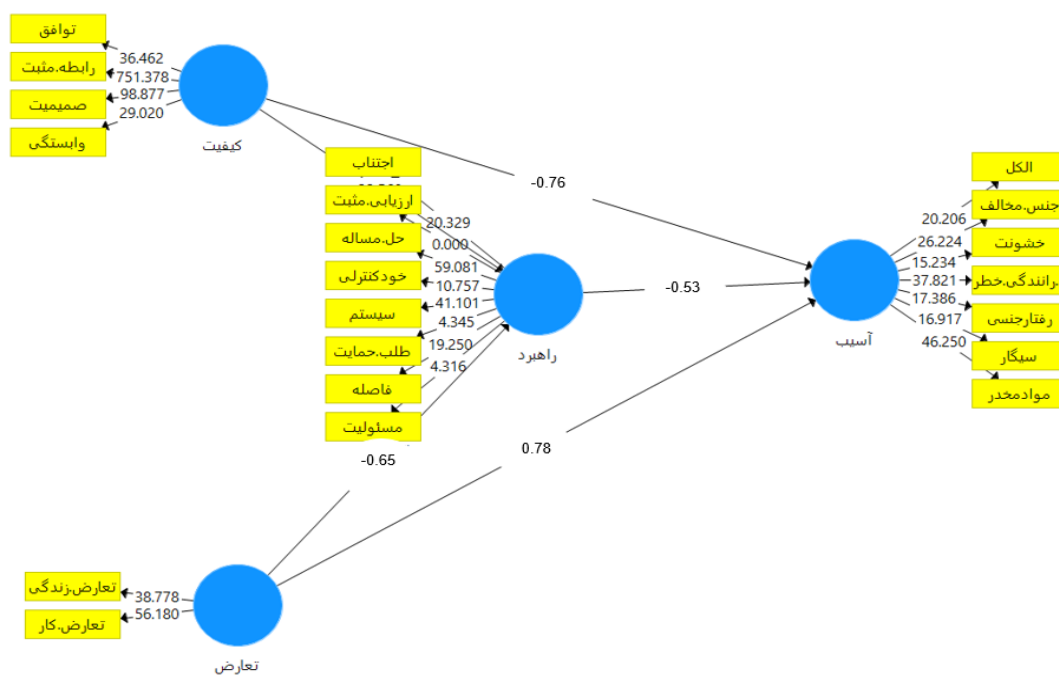
پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

جدول ۱۴: مدل برازش معادلات ساختاری

شاخص برازندگی	مقدار	مقدار به دست آمده (نمونه‌ای)	نتیجه
(نسبت کای دو به درجه آزادی) χ^2/df	کمتر از ۳	2.15	مطلوب
GFI (شاخص برازندگی)	بالاتر از ۰.۹۰	0.91	قابل قبول
AGFI (شاخص برازندگی تعدیل شده)	بالاتر از ۰.۹۰	0.89	نزدیک به حد مطلوب
CFI (شاخص برازندگی تطبیقی)	بالاتر از ۰.۹۰	0.93	مطلوب
NFI (شاخص برازندگی نرم شده)	بالاتر از ۰.۹۰	0.91	مطلوب
RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطای تقریب)	کمتر از ۰.۰۸	0.056	مطلوب

جدول شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی از برازش مناسبی برخوردار است؛ به این معنا که نسبت χ^2/df کمتر از ۳ بوده و مقدار RMSEA در محدوده قابل قبول (کمتر از ۰.۰۸) قرار دارد. همچنین شاخص‌های برازش تطبیقی ($NFI=0.91$, $CFI=0.93$) بالاتر از ۰.۹۰ هستند که بیانگر انطباق خوب داده‌ها با مدل نظری است. تنها شاخص AGFI کمی پایین‌تر از حد مطلوب گزارش شده اما همچنان در مرز قابل قبول قرار دارد. در مجموع، این نتایج تأیید می‌کنند که مدل ساختاری ارائه شده می‌تواند به شکل مناسبی روابط میان تعارض‌های خانوادگی، راهبردهای مقابله‌ای و آسیب‌پذیری نوجوانان را تبیین کند.

فرضیه اصلی: الگوی ساختاری رابطه تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان و نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای با داده‌های گردآوری شده برازش دارد.



شکل ۳: مدل ارتباط متغیرهای تحقیق

برای بررسی فرضیه فوق از آزمون معادلات ساختاری استفاده شده است براساس نتایج این فرضیه مورد تایید واقع شده است.

جدول ۱۵: مدل برازش معادلات ساختاری

شاخص برازش	مقدار فرضی	توضیحات
χ^2 کای-مربع	۸۲۲.۵	مدل دارای مقدار χ^2 کمی است که نشان دهنده برازش مناسب است. برای یک مدل با ۵۰ درجه آزادی ($df = 50$)، این مقدار نشان دهنده برازش خوب است.
RMSEA	۰.۰۴۲	مقدار RMSEA کمتر از ۰.۰۵ نشان دهنده برازش عالی است. در این مورد، این مقدار نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها بسیار خوب تطابق دارد.
CFI	۰.۹۷	مقدار CFI بالای ۰.۹۰ نشان دهنده برازش عالی است. در این مدل، مقدار ۰.۹۷ نشان دهنده تطابق عالی مدل با داده‌ها است.
SRMR	۰.۰۴۵	مقدار SRMR کمتر از ۰.۰۸ نشان دهنده برازش خوب است. این مقدار نشان دهنده باقی‌مانده‌های استاندارد کوچک و تطابق مناسب مدل با داده‌ها است.
GFI	۰.۹۳	مقدار GFI بالای ۰.۹۰ نشان دهنده برازش خوب مدل است. در این مدل، GFI نشان دهنده تطابق خوب مدل با داده‌ها است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اختصاصی اول: تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

براساس نتایج تحلیل رگرسیون، متغیر «نمره کل تعارض‌های خانوادگی» تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر آسیب‌پذیری نوجوانان دارد. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد نشده ($\beta = 1.784$) نشان می‌دهد که با هر واحد افزایش در میزان تعارض‌های خانوادگی، میانگین آسیب‌پذیری نوجوانان به‌طور متوسط 1.784 واحد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب استاندارد شده $\beta = (0.662)$ حاکی از آن است که تعارض خانوادگی تأثیر نسبتاً قوی و مثبت بر آسیب‌پذیری دارد. آماره‌ی $t = 17.373$ در سطح معناداری $p = 0.000$ کمتر از $p = 0.001$ نیز بیانگر آن است که این اثر از نظر آماری کاملاً معنادار است. در نتیجه، می‌توان گفت که افزایش تعارض‌های خانوادگی به‌طور معناداری با افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان همراه است و این فرضیه به‌طور کامل تأیید می‌شود. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های پازوکی و همکاران (۱۴۰۳)، قدیمی و همکاران (۱۴۰۳)، شایق و همکاران (۱۴۰۳)، ساداتیان و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، موسوی (۱۳۹۵)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، کانگ و همکاران (۲۰۲۴)، کپتانویچ و همکاران (۲۰۲۲)، کانگ و همکاران (۲۰۲۴)، بار و همکاران (۲۰۲۴)، دیویس و همکاران (۲۰۲۲)، کلی و همکاران (۲۰۲۰)، بامرند و همکاران (۲۰۱۷) و سمانتا و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است.

یافته‌های پژوهش به‌روشنی نشان داد که تعارض‌های خانوادگی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان دارند. این نتیجه با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده و رشد تحولی هماهنگ است که تأکید دارند فضای پرتنش خانوادگی می‌تواند به اختلال در عملکرد هیجانی، رفتاری و شناختی نوجوان منجر شود. زمانی که نوجوان در محیطی پر از مشاجره، بی‌ثباتی و ناایمنی هیجانی زندگی می‌کند، احتمال بیشتری برای بروز مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی یا پرخاشگری دارد. تعارض‌های حل‌نشده یا مکرر میان والدین، امنیت روانی نوجوان را تهدید می‌کند و احساس بی‌پناهی در او ایجاد می‌نماید. از این‌رو، وجود تعارض در خانواده می‌تواند به‌عنوان یک عامل خطر جدی در بروز آسیب‌پذیری تلقی شود. ضریب رگرسیون مثبت و معنادار 1.784 بیان می‌کند که هر واحد افزایش در میزان تعارض‌های خانوادگی به‌طور قابل‌توجهی آسیب‌پذیری

نوجوان را افزایش می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که تنش‌های خانوادگی نه‌تنها پیامدهای لحظه‌ای، بلکه اثرات پایدار و مخربی بر سلامت روان نوجوان دارند. در چنین خانواده‌هایی، نوجوانان اغلب دچار احساس سردرگمی، تعارض وفاداری و کاهش تاب‌آوری می‌شوند. این وضعیت آن‌ها را در برابر فشارهای بیرونی و درونی بی‌دفاع‌تر می‌سازد. بنابراین، تنش در ساختار خانواده یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های آسیب‌های روان‌شناختی در دوره نوجوانی است.

ضریب استاندارد شده ۰.۶۶۲ حاکی از اثر نسبتاً قوی تعارض‌های خانوادگی بر میزان آسیب‌پذیری است. این عدد نشان می‌دهد که نقش تعارض خانوادگی در تبیین واریانس آسیب‌پذیری نوجوانان قابل توجه است و باید آن را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در بررسی علل مشکلات روانی-اجتماعی نوجوانان در نظر گرفت. تعارض‌های مزمن والدین باعث کاهش احساس انسجام و یکپارچگی روانی در نوجوان می‌شود و زمینه را برای بروز اختلالات هیجانی فراهم می‌کند. این تنش‌ها همچنین می‌توانند روابط بین والد و فرزند را تضعیف کرده و کیفیت تعاملات خانوادگی را پایین بیاورند. در نتیجه، نوجوان در محیطی نامطمئن رشد کرده و بیش از پیش در معرض آسیب قرار می‌گیرد.

معناداری آماری بسیار بالا $t=17.373$, $p < 0.001$ تأکید می‌کند که رابطه بین تعارض‌های خانوادگی و آسیب‌پذیری نوجوانان از اعتبار آماری بالایی برخوردار است. این بدان معناست که یافته‌های به‌دست‌آمده را نمی‌توان تصادفی یا بی‌معنا تلقی کرد، بلکه آن‌ها بازتاب یک واقعیت روان‌شناختی مهم هستند. تأثیرگذاری مستقیم تعارض‌ها، احتمالاً از طریق سازوکارهای روانی مانند افزایش تنش درونی، اختلال در تنظیم هیجانی و اختلال در تعاملات اجتماعی نوجوان رخ می‌دهد. این مکانیزم‌ها می‌توانند نوجوان را در برابر چالش‌های زندگی روزمره ناتوان‌تر کرده و سطح آسیب‌پذیری را به‌شدت افزایش دهند.

تعارض‌های خانوادگی به‌ویژه وقتی مزمن، حل‌نشده و همراه با خشونت کلامی یا رفتاری باشند، آثار تخریبی بیشتری دارند. نوجوانانی که در چنین محیط‌هایی رشد می‌کنند، اغلب الگوهای رفتاری ناسالم را فرا می‌گیرند، دیدگاه منفی‌تری نسبت به خود و دیگران پیدا می‌کنند و احساس امنیت روانی خود را از دست می‌دهند. این نوجوانان ممکن است بیش از دیگران دچار اضطراب، پرخاشگری یا رفتارهای ضد اجتماعی شوند. همچنین، تنش‌های خانوادگی می‌تواند نوجوان را از منابع حمایتی طبیعی مانند والدین، خواهر و برادر یا حتی مدرسه جدا کند. این وضعیت، نوجوان را در موقعیتی بسیار آسیب‌پذیر قرار می‌دهد.

از منظر روان‌شناسی تحولی، دوران نوجوانی زمانی حیاتی برای شکل‌گیری هویت، استقلال و خودپنداره مثبت است. تعارض‌های خانوادگی می‌توانند این فرایندها را مختل کرده و نوجوان را دچار بحران هویت، نوسانات هیجانی شدید یا وابستگی ناسالم کنند. چنین فردی در آینده احتمال بیشتری دارد که در روابط بین‌فردی یا شغلی دچار مشکل شود. بنابراین، تأثیر تعارض‌های خانوادگی محدود به حال نوجوان نیست، بلکه پیامدهای بلندمدتی بر مسیر زندگی او دارد. این امر ضرورت توجه به سلامت خانواده را به‌عنوان بستر رشد روانی نوجوان دوچندان می‌کند.

در فضای تعارض‌آمیز خانواده، نوجوان نه‌تنها از حمایت هیجانی محروم می‌شود، بلکه گاه خود به عامل یا قربانی درگیری‌ها تبدیل می‌گردد. این وضعیت موجب تجربه احساس گناه، سردرگمی و تعارض وفاداری در او می‌شود که آسیب‌پذیری روانی را افزایش می‌دهد. برخی نوجوانان نیز در واکنش به این تعارض‌ها ممکن است دچار فرار از خانه، افت تحصیلی یا گرایش به رفتارهای پرخطر شوند. این واکنش‌ها نه از ضعف فردی، بلکه نتیجه مستقیم محیط پرتنش خانوادگی هستند. از این‌رو، حل تعارض‌ها و آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های روانی نوجوانان داشته باشد. این یافته همچنین با نظریه سیستم‌های خانواده هم‌راستا است؛ جایی که خانواده به‌عنوان یک نظام در نظر گرفته می‌شود که تغییر یا اختلال در یکی از اجزای آن می‌تواند پیامدهایی بر کل سیستم داشته باشد. تعارض بین والدین یا سایر اعضای خانواده، یک علامت اختلال در کارکرد این سیستم است و نوجوانان، به‌عنوان اعضای حساس‌تر، زودتر و عمیق‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. احساس بی‌ثباتی و ناامنی حاصل از تعارض‌ها می‌تواند نوجوان را از نظر روانی و اجتماعی آسیب‌پذیر کند. از این دیدگاه تعارض‌های خانوادگی نه‌تنها عامل خطر مستقیم، بلکه نشانه‌ای از کارکرد نامناسب نظام خانواده هستند.

همچنین، تعارض‌های خانوادگی اغلب با ضعف در سایر عوامل حمایتی مانند کیفیت رابطه والد- فرزند و فقدان راهبردهای مقابله‌ای مؤثر همراه هستند. در چنین شرایطی، نوجوان نه تنها در معرض تنش قرار دارد، بلکه ابزار لازم برای مدیریت آن را نیز در اختیار ندارد. این وضعیت می‌تواند آسیب‌پذیری را تشدید کند و حتی منجر به اختلال‌های روان‌پزشکی شود. بنابراین، در برنامه‌های مداخله‌ای، باید هم به کاهش تعارض‌ها و هم به تقویت عوامل محافظتی توجه شود. نگاه یک‌بعدی به مشکل، نمی‌تواند تأثیر پایداری در کاهش آسیب‌پذیری ایجاد کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تعارض‌های خانوادگی به عنوان یک عامل خطر قوی و معنادار بر آسیب‌پذیری نوجوانان تأثیر می‌گذارد. این یافته، نیاز به مداخلات ساختاری در سطح خانواده‌ها را گوشزد می‌کند؛ مداخلاتی که هدفشان کاهش تعارض، بهبود مهارت‌های ارتباطی، تقویت روابط والد- فرزند و ارتقاء سلامت روان کل اعضای خانواده باشد. در غیر این صورت، نوجوانان در معرض خطر فزاینده‌ی مشکلات روانی، اجتماعی و تحصیلی قرار خواهند گرفت. پژوهش حاضر به خوبی نشان داد که سلامت روان نوجوانان در گرو سلامت ساختار خانوادگی آن‌هاست. تعارض‌های حل‌نشده، تهدیدی جدی برای آینده‌ی روانی نوجوانان به‌شمار می‌آیند.

فرضیه اختصاصی دوم: کیفیت رابطه والد- فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

براساس نتایج رگرسیون ارائه‌شده، متغیر «نمره کل کیفیت رابطه والد-فرزند» توانسته است به‌طور معناداری آسیب‌پذیری نوجوانان را پیش‌بینی کند. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد نشده برای این متغیر برابر با ۱.۱۳۱- است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در نمره کیفیت رابطه، به‌طور متوسط ۱.۱۳۱ واحد از میزان آسیب‌پذیری نوجوانان کاسته می‌شود. ضریب استاندارد شده Beta نیز برابر با -۰.۹۷۹ است که نشان‌دهنده‌ی قدرت بالای اثر این متغیر بر آسیب‌پذیری است؛ به‌طوری‌که کیفیت رابطه والد-فرزند بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد. آماره‌ی t مربوط به این متغیر برابر با -۹۳.۹۱۶ است که در سطح معناداری $p < 0.001$ معنادار گزارش شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی منفی و بسیار قوی و معناداری بین کیفیت رابطه والد- فرزند و آسیب‌پذیری نوجوانان وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه کیفیت رابطه والد- فرزند بهتر باشد، سطح آسیب‌پذیری نوجوانان به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های پازوکی و همکاران (۱۴۰۳)، قدیمی و همکاران (۱۴۰۳)، شایق و همکاران (۱۴۰۳)، ساداتیان و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، و سمانتا و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است.

در تبیین این یافته‌های می‌توان گفت که مقدار ضریب بتای -۰.۹۷۹- نشان‌دهنده قدرت بسیار بالای اثر کیفیت رابطه والد- فرزند بر آسیب‌پذیری نوجوانان است. این ضریب استاندارد شده بیان می‌کند که این متغیر از میان سایر متغیرها، بیشترین سهم را در تبیین تغییرات آسیب‌پذیری دارد. این یافته با نظریه سیستم‌های خانواده نیز هم‌خوان است؛ طبق این نظریه، خانواده یک کل منسجم و در تعامل است و کیفیت رابطه‌های درونی آن، پیامدهای روان‌شناختی قابل توجهی بر اعضایش به‌ویژه نوجوانان دارد. وقتی والدین رابطه‌ای گرم، قابل پیش‌بینی و حمایت‌گر با فرزند دارند، نوجوانان کمتر دچار اختلال‌های سازگاری و بحران‌های هیجانی می‌شوند. به عبارتی، ارتباط سالم، نوعی سپر روانی در برابر آسیب‌های محیطی برای نوجوان فراهم می‌کند. آماره‌ی t بسیار بالا و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱، گواهی بر اطمینان آماری بسیار زیاد در نتایج است. این یافته به‌صورت علمی نشان می‌دهد که تأثیر کیفیت رابطه والد- فرزند نه تنها از نظر نظری بلکه از نظر آماری نیز بسیار قوی و معتبر است. در فضای روان‌شناسی تربیتی و رشد، این معنا دارد که مداخله‌های هدفمند برای بهبود رابطه والد- فرزند می‌تواند نتایج بسیار مثبت و پایداری بر سلامت روان نوجوانان به‌جا بگذارد. بنابراین، پژوهش حاضر به شواهد تجربی موجود مبنی بر اهمیت روابط خانوادگی افزوده و نقش حیاتی والدین در فرآیند رشد هیجانی و روانی نوجوانان را تأیید می‌کند. اهمیت این رابطه، به‌ویژه در دوران پرچالش نوجوانی، بیشتر نمایان می‌شود.

یکی از تبیین‌های احتمالی دیگر این رابطه قوی، نقش نیازهای بنیادین نوجوان در احساس امنیت، پذیرش و تعلق است. والدینی که به احساسات فرزند خود توجه دارند، شنوا و همدل‌اند، زمینه را برای رشد خودتنظیمی، عزت‌نفس و مقابله مؤثر با فشارهای محیطی فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، رابطه ضعیف، همراه با بی‌توجهی یا کنترل افراطی می‌تواند نوجوان را مستعد رفتارهای پرخطر، افسردگی یا گوشه‌گیری کند. کیفیت رابطه والد-فرزند در این زمینه به‌عنوان یک عامل حفاظتی یا تسهیل‌گر عمل می‌کند که می‌تواند تأثیر سایر عوامل خطر را نیز تعدیل کند. بنابراین، از منظر رشد تحولی، روابط عاطفی سالم با والدین یکی از ستون‌های سلامت روانی محسوب می‌شود.

یافته‌ها همچنین با نظریه دلبستگی جان بالبی نیز قابل توضیح‌اند. بر اساس این نظریه، رابطه اولیه با والدین زیربنای الگوهای رفتاری و هیجانی آتی را شکل می‌دهد. نوجوانی که در سال‌های اولیه زندگی خود دلبستگی ایمن تجربه کرده و در حال حاضر نیز رابطه با والدینش بر پایه اعتماد، احترام متقابل و پذیرش استوار است، احتمال کمتری دارد که در برابر فشارهای روانی و اجتماعی آسیب‌پذیر باشد. کیفیت رابطه خوب، در واقع الگویی درونی از خود و دیگران می‌سازد که بر توانایی نوجوان در تعامل اجتماعی، حل مسأله و مقابله با ناکامی تأثیر مثبت می‌گذارد. این نکته تأکیدی دوباره بر نقش رابطه والد-فرزند به‌عنوان سازه‌ای تحولی دارد.

از منظر اجتماعی نیز می‌توان دریافت که نوجوانانی که از رابطه مطلوبی با والدین برخوردارند، احتمال کمتری دارد که به دنبال منابع تأیید و حمایت در گروه‌های ناسالم و پرخطر بروند. کیفیت رابطه والد-فرزند به‌نوعی شبکه حمایتی اولیه و بنیادین است که نوجوان را در برابر انزوای فشار همسالان و آسیب‌های اجتماعی محافظت می‌کند. در جوامعی که روابط خانوادگی تضعیف شده است، می‌توان افزایش سطح آسیب‌پذیری نوجوانان را مشاهده کرد. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی و تربیتی نیز دارای پیامدهای کاربردی هستند. خانواده سالم، سنگ‌بنای جامعه‌ای مقاوم‌تر در برابر آسیب‌هاست.

در تحلیل نتایج همچنین باید توجه داشت که کیفیت رابطه والد-فرزند ترکیبی از مؤلفه‌های مختلف مانند احترام متقابل، زمان مشترک، شیوه فرزندپروری و میزان حمایت عاطفی است. این نشان می‌دهد که تنها حضور فیزیکی والدین کافی نیست، بلکه کیفیت تعاملات و محتوای رابطه تعیین‌کننده است. والدینی که با فرزندان خود رابطه‌ای گرم، صمیمانه و در عین حال ساختارمند دارند، به نوجوان این پیام را منتقل می‌کنند که ارزشمند است و در صورت بروز مشکل، پشتیبانی خواهد شد. این احساس پشتیبانی، اضطراب نوجوان را کاهش می‌دهد و در برابر تنش‌های رشدی، تاب‌آوری بیشتری ایجاد می‌کند. بنابراین، مفهوم کیفیت رابطه باید به‌صورت چندبعدی در نظر گرفته شود.

درنهایت، می‌توان گفت که رابطه والد-فرزند نه‌تنها بر آسیب‌پذیری نوجوانان تأثیر مستقیم دارد، بلکه نقش زیربنایی در شکل‌گیری سایر عوامل محافظتی مانند خودکارآمدی، مهارت‌های اجتماعی و انسجام روانی ایفاء می‌کند. یافته‌ها تأیید می‌کنند که برنامه‌های مداخله‌ای برای کاهش آسیب‌های روانی نوجوانان، اگر فاقد عنصر آموزش و بهبود روابط خانوادگی باشند، موفقیت کامل نخواهند داشت. به همین دلیل، روان‌شناسان، مشاوران و سیاست‌گذاران باید بیش‌ازپیش بر آموزش والدین، افزایش سواد هیجانی خانواده‌ها و حمایت از الگوهای فرزندپروری مثبت تمرکز کنند. رابطه والد-فرزند، بنیان سلامت روان نوجوانان است و باید به‌عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گیرد.

فرضیه اختصاصی سوم: راهبردهای مقابله‌ای با آسیب‌پذیری نوجوانان اثر مستقیم دارد.

بر اساس نتایج رگرسیون، متغیر «نمره کل راهبردهای مقابله‌ای» تأثیر معنادار و مستقیمی بر میزان آسیب‌پذیری نوجوانان دارد. ضریب رگرسیون استاندارد نشده نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در استفاده از راهبردهای مقابله‌ای، میانگین آسیب‌پذیری نوجوانان به‌طور متوسط ۰.۵۱۷ واحد کاهش می‌یابد. همچنین، ضریب استاندارد شده حاکی از آن است که این

متغیر تأثیر نسبتاً قوی و منفی بر آسیب‌پذیری دارد. آماره‌ی $t = -23.962$ و سطح معناداری $p = 0.000$ (کمتر از ۰.۰۰۱) نشان‌دهنده‌ی آن است که این رابطه از نظر آماری کاملاً معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که راهبردهای مقابله‌ای نقش مهم و کاهنده‌ای در سطح آسیب‌پذیری نوجوانان دارند؛ به عبارت دیگر، هرچه نوجوانان بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر استفاده کنند، آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های موسوی (۱۳۹۵)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، کانگ و همکاران (۲۰۲۴)، کپتانویچ و همکاران (۲۰۲۲)، کانگ و همکاران (۲۰۲۴)، بار و همکاران (۲۰۲۴)، دیویس و همکاران (۲۰۲۲)، کلی و همکاران (۲۰۲۰)، بامرند و همکاران (۲۰۱۷) همسو بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای مقابله‌ای به صورت مستقیم و معنادار بر کاهش آسیب‌پذیری نوجوانان اثرگذار هستند. این یافته با نظریه‌های روان‌شناسی شناختی- رفتاری هم‌خوانی دارد که بر نقش افکار و رفتارهای مقابله‌ای در مدیریت فشارهای روانی تأکید دارند. نوجوانانی که به راهبردهای مقابله‌ای مؤثر مجهز هستند، در مواجهه با استرس‌های تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی عملکرد سازگارانه‌تری دارند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا از فروپاشی هیجانی یا بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کنند. بنابراین، راهبردهای مقابله‌ای نقش سپر دفاعی روانی در برابر آسیب‌ها را ایفا می‌کنند.

ضریب رگرسیون منفی و معنادار ۰.۵۱۷- نشان می‌دهد که هرچه میزان استفاده نوجوان از این راهبردها افزایش می‌یابد، سطح آسیب‌پذیری او به شکل محسوسی کاهش می‌یابد. این رابطه بیانگر آن است که صرف نظر از شرایط محیطی، توانایی در به‌کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای سالم می‌تواند میزان اثرگذاری عوامل استرس‌زا را کاهش دهد. راهبردهایی مانند حل مسئله، تنظیم هیجان، جستجوی حمایت اجتماعی یا پذیرش واقعیت، موجب ارتقاء تاب‌آوری در نوجوانان می‌شود. این موضوع به‌ویژه در دورانی مانند نوجوانی که با تغییرات روانی و اجتماعی همراه است، اهمیت دوچندان می‌یابد.

ضریب استانداردشده نسبتاً قوی ۰.۷۷۳- نشان‌دهنده‌ی سهم چشمگیر راهبردهای مقابله‌ای در پیش‌بینی میزان آسیب‌پذیری نوجوانان است. این عدد نشان می‌دهد که سبک مقابله‌ای نوجوانان نه تنها یک متغیر سطحی، بلکه عاملی بنیادین در فرآیند سازگاری روانی است. نوجوانانی که فاقد این مهارت‌ها هستند، اغلب با ناکامی، اضطراب و سردرگمی بیشتری مواجه‌اند. در مقابل، آن‌هایی که راهبردهای مقابله‌ای سازگار دارند، در برابر فشارها ایمن‌تر و توانمندتر عمل می‌کنند. این یافته‌ها ضرورت آموزش و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای در نظام‌های آموزشی و خانواده‌ها را برجسته می‌سازد.

معناداری آماری بسیار قوی ($t = -23.962$) اعتبار نتایج به‌دست‌آمده را تقویت می‌کند. این سطح از معناداری به‌روشنی نشان می‌دهد که رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و آسیب‌پذیری نوجوانان نه حاصل تصادف، بلکه نتیجه‌ی واقعی تعامل روانی این دو متغیر است. از منظر عملی نیز این نتیجه حاکی از آن است که می‌توان با آموزش راهبردهای مقابله‌ای مؤثر، به کاهش مشکلات هیجانی، رفتاری و اجتماعی نوجوانان کمک کرد. این امر می‌تواند بخشی از برنامه‌های مشاوره‌ای، کارگاه‌های آموزشی یا طرح‌های سلامت روان در مدارس باشد.

راهبردهای مقابله‌ای در واقع ابزارهای ذهنی و رفتاری نوجوانان برای رویارویی با چالش‌ها و فشارهای محیطی هستند. نبود این ابزارها مانند نبود سلاح در میدان مبارزه روانی است که نوجوان را بی‌دفاع و آسیب‌پذیر می‌سازد. در مقابل، وقتی نوجوان مهارت‌هایی مانند بازسازی شناختی، تنفس آرام، گفت‌وگوی درونی مثبت یا برنامه‌ریزی منطقی را می‌آموزد، توان روانی او برای مواجهه با موقعیت‌های دشوار افزایش می‌یابد. چنین فردی می‌تواند حتی از بحران‌ها، فرصت یادگیری و رشد بسازد. این موضوع به‌خوبی در داده‌های پژوهش حاضر تأیید شده است.

از دیدگاه تحولی، نوجوانی مرحله‌ای بحرانی و مستعد آسیب است؛ اما در عین حال، زمانی حساس برای آموختن مهارت‌های مقابله‌ای نیز هست. استفاده از راهبردهای مقابله‌ای کارآمد می‌تواند مسیر نوجوان را از آسیب به سمت رشد روانی منحرف کند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش این مهارت‌ها نه فقط برای درمان، بلکه برای پیشگیری از اختلالات روانی نیز ضرورت

دارد. نوجوانانی که این راهبردها را فرا گرفته‌اند، بهتر می‌توانند تعارضات خانوادگی، فشار همسالان یا ناکامی‌های شخصی را مدیریت کنند. در نتیجه، به جای آنکه آسیب ببینند، مقاوم‌تر و خودکارآمدتر می‌شوند.

این یافته همچنین با مفاهیم تاب‌آوری هم‌پوشانی دارد؛ چرا که راهبردهای مقابله‌ای یکی از ارکان تاب‌آوری فردی محسوب می‌شوند. نوجوان تاب‌آور کسی است که در مواجهه با تهدیدات محیطی، از منابع درونی و بیرونی به‌گونه‌ای استفاده می‌کند که تعادل روانی خود را حفظ کند. راهبردهای مقابله‌ای مؤثر، به نوجوان این توانایی را می‌دهند که بدون انکار یا اجتناب ناسالم، با واقعیت روبه‌رو شود و واکنش متناسب نشان دهد. از این منظر، می‌توان گفت که تقویت این راهبردها نه فقط آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد، بلکه بنیان شخصیت سالم را تقویت می‌کند.

راهبردهای مقابله‌ای همچنین با فرآیندهای شناختی مانند سبک تفکر و ارزیابی موقعیت پیوند دارند. نوجوانی که موقعیت‌ها را قابل مدیریت ارزیابی می‌کند، احتمال بیشتری دارد که از راهبردهای فعال، منطقی و کارآمد استفاده کند. در مقابل، نوجوانانی که نگرش بدبینانه یا درمانده دارند، بیشتر به راهبردهای ناکارآمد مانند اجتناب، انکار یا پرخاشگری متوسل می‌شوند. بنابراین، آموزش راهبردهای مقابله‌ای باید هم بر رفتار و هم بر تغییر نگرش‌ها و باورهای شناختی تمرکز داشته باشد. این آموزش‌ها به نوجوانان می‌آموزد که قربانی شرایط نیستند و می‌توانند عامل تغییر باشند.

در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که راهبردهای مقابله‌ای نه تنها تأثیر مستقیمی بر کاهش آسیب‌پذیری دارند، بلکه می‌توانند نقش واسطه‌ای در اثرگذاری سایر عوامل مانند تعارض‌های خانوادگی و رابطه والد-فرزند نیز ایفا کنند. نوجوانانی که حتی در شرایط خانوادگی پرتنش به راهبردهای مؤثر دسترسی دارند، کمتر دچار بحران‌های روانی می‌شوند. این موضوع اهمیت نگاه ترکیبی و چندعاملی به آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد؛ به طوری که توانایی فرد در کنار شرایط محیطی باید مدنظر قرار گیرد. بنابراین، راهبردهای مقابله‌ای یک نقطه کلیدی در مداخلات پیشگیرانه و درمانی با نوجوانان به شمار می‌آید.

فرضیه اختصاصی چهارم: تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیر مستقیم دارد.

در این مدل تعارض‌های خانوادگی به طور مستقیم بر آسیب‌پذیری نوجوانان اثر می‌گذارد و همچنین از طریق نقش میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای بررسی شده است. همانطور که ضرایب مسیر نشان می‌دهد، تأثیر مستقیم تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری مثبت و معنادار است، در حالی که اثر غیرمستقیم از طریق راهبردهای مقابله‌ای منفی ظاهر شده است ($\beta = -0.500$) به راهبردها و $\beta = -0.555$ از راهبردها به آسیب‌پذیری). این الگو بیانگر آن است که استفاده از راهبردهای مقابله‌ای می‌تواند شدت اثر تعارض خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان را کاهش دهد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های پازوکی و همکاران (۱۴۰۳)؛ قدیمی و همکاران (۱۴۰۳)؛ شایق و همکاران (۱۴۰۳)؛ ساداتیان و همکاران (۱۳۹۹)؛ رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، و سمانتا و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است.

تعارض‌های خانوادگی یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی تأثیرگذار بر سلامت روان و سازگاری نوجوانان محسوب می‌شوند. این تعارض‌ها شامل بروز اختلاف، تنش و کشمکش‌های مکرر میان اعضای خانواده است که می‌تواند احساس امنیت و آرامش روانی نوجوانان را مختل کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مواجهه مداوم با چنین شرایطی، موجب افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان و بروز مشکلات روانی و رفتاری می‌شود. از سوی دیگر، شیوه‌های مقابله‌ای نوجوانان با فشارها و مشکلات محیطی، نقش کلیدی در تعدیل اثرات منفی این تعارض‌ها دارند. به این ترتیب، مسیر اثر تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان می‌تواند از طریق راهبردهای مقابله‌ای شکل گیرد.

راهبردهای مقابله‌ای به عنوان مکانیسمی میانجی، توانایی نوجوانان را برای مدیریت فشارهای روانی و کاهش اثرات منفی محیطی افزایش می‌دهند. نوجوانانی که از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر استفاده می‌کنند، در برابر تنش‌های خانوادگی مقاومت

بیشتری دارند و کمتر دچار مشکلات روانی می‌شوند. این راهبردها می‌توانند شامل حل مسئله، تنظیم هیجان، حمایت جویی و مهارت‌های شناختی برای مدیریت استرس باشند. بنابراین، اثر تعارض‌های خانوادگی بر آسیب‌پذیری نوجوانان به طور غیرمستقیم از طریق کیفیت و میزان استفاده از این راهبردها نمایان می‌شود.

تبیین نظری این فرضیه بر مبنای نظریه‌های روان‌شناسی رشد و استرس اجتماعی است. نظریه‌های رشد بر اهمیت محیط خانواده در شکل‌دهی شخصیت و رفتار نوجوان تأکید دارند و نشان می‌دهند که حمایت و تعامل مثبت خانواده، عامل محافظتی در برابر فشارهای روانی است. از سوی دیگر، مدل‌های استرس و مقابله بیان می‌کنند که چگونگی برخورد افراد با فشارهای محیطی، تعیین‌کننده پیامدهای روانی آن‌هاست. بر اساس این چارچوب نظری، راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان می‌توانند نقش واسطه‌ای بین تعارض‌های خانوادگی و آسیب‌پذیری آن‌ها ایفا کنند.

مطالعات تجربی پیشین نیز نشان می‌دهند که نوجوانانی که تعارض خانوادگی بیشتری تجربه می‌کنند، در صورت بهره‌گیری ناکافی از راهبردهای مقابله‌ای، سطوح بالاتری از اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری را گزارش می‌کنند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که راهبردهای مقابله‌ای، عامل تعدیل‌کننده و میانجی مهمی هستند که می‌توانند اثرات منفی محیط خانوادگی را کاهش دهند. بنابراین، بررسی اثر غیرمستقیم تعارض‌های خانوادگی از طریق این راهبردها، علاوه بر تبیین علمی، کاربردهای عملی در طراحی برنامه‌های مداخله‌ای دارد.

در نهایت، فرضیه حاضر نشان می‌دهد که تعامل پیچیده میان عوامل محیطی و راهبردهای فردی، تعیین‌کننده آسیب‌پذیری نوجوانان است. تعارض‌های خانوادگی به تنهایی ممکن است اثر مستقیم نداشته باشند، اما از طریق کاهش کارآمدی راهبردهای مقابله‌ای، آسیب‌پذیری نوجوانان افزایش می‌یابد. این یافته‌ها اهمیت آموزش و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای را برای نوجوانان نشان می‌دهد و راهنمایی برای خانواده‌ها و مداخلات روان‌شناختی فراهم می‌کند تا پیامدهای منفی تعارض‌ها کاهش یابد. به این ترتیب، مسیر غیرمستقیم میان تعارض خانوادگی و آسیب‌پذیری نوجوانان از طریق راهبردهای مقابله‌ای، یک چارچوب نظری و عملی قوی برای فهم و مداخله در سلامت روان نوجوانان ارائه می‌دهد.

فرضیه اختصاصی پنجم: کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای اثر غیرمستقیم دارد.

در این مدل کیفیت رابطه والد - فرزند به طور مستقیم بر آسیب‌پذیری نوجوانان اثر می‌گذارد و همچنین از طریق نقش میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای بررسی شده است. همانطور که ضرایب مسیر نشان می‌دهد، تأثیر مستقیم کیفیت رابطه والد-فرزند بر آسیب‌پذیری منفی و معنادار است، همچنین اثر غیرمستقیم از طریق راهبردهای مقابله‌ای نیز منفی ظاهر شده است. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های پازوکی و همکاران (۱۴۰۳)؛ قدیمی و همکاران (۱۴۰۳)؛ شایق و همکاران (۱۴۰۳)؛ ساداتیان و همکاران (۱۳۹۹)؛ رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، و سمانتا و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است.

رابطه والد-فرزند یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی تأثیرگذار بر رشد و سلامت روان نوجوانان است. رابطه مثبت و حمایت‌گرانه والدین با نوجوانان، باعث ایجاد حس امنیت، اعتماد به نفس و توانایی مدیریت هیجانات می‌شود. برعکس، رابطه سرد یا پرتنش می‌تواند احساس آسیب‌پذیری و اضطراب را در نوجوانان افزایش دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت رابطه والد-فرزند، نقش تعیین‌کننده‌ای در سازگاری روانی و رفتاری نوجوانان دارد. از این رو، مسیر اثر این رابطه بر آسیب‌پذیری نوجوانان ممکن است از طریق مکانیسم‌های میانجی، مانند راهبردهای مقابله‌ای، شکل گیرد.

راهبردهای مقابله‌ای به عنوان مکانیسم واسطه‌ای، توانایی نوجوانان را در مدیریت فشارها و مشکلات روانی افزایش می‌دهند. نوجوانانی که از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر استفاده می‌کنند، می‌توانند اثرات منفی رابطه نامطلوب والد-فرزند را کاهش دهند و سطح آسیب‌پذیری خود را کنترل کنند. این راهبردها شامل حل مسئله، تنظیم هیجان، جستجوی حمایت اجتماعی و

پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

مهارت‌های شناختی برای مدیریت استرس هستند. بنابراین، اثر رابطه والد-فرزند بر آسیب‌پذیری نوجوانان به طور غیرمستقیم و از طریق کیفیت استفاده از این راهبردها قابل مشاهده است.

تبیین نظری این فرضیه بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی رشد و نظریه‌های استرس و مقابله است. نظریه‌های رشد نشان می‌دهند که تعامل والد-فرزند، زمینه‌ساز شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و هیجانی نوجوانان است. مدل‌های استرس و مقابله بیان می‌کنند که توانایی افراد در مواجهه با فشارهای محیطی تعیین‌کننده پیامدهای روانی آن‌هاست. بر این اساس، راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان می‌توانند نقش میانجی بین کیفیت رابطه والد-فرزند و آسیب‌پذیری آن‌ها داشته باشند.

مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهند که نوجوانانی که رابطه ضعیف یا پرتنش با والدین دارند، در صورت استفاده ناکافی از راهبردهای مقابله‌ای، سطح بالاتری از اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری را تجربه می‌کنند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که راهبردهای مقابله‌ای نقش واسطه‌ای مهمی در تعدیل اثرات منفی روابط خانوادگی دارند. بنابراین، توجه به آموزش و تقویت این مهارت‌ها، هم از نظر علمی و هم کاربردی، اهمیت زیادی دارد.

در نهایت، فرضیه حاضر نشان می‌دهد که تعامل میان کیفیت رابطه والد-فرزند و مهارت‌های مقابله‌ای نوجوانان، تعیین‌کننده سطح آسیب‌پذیری آن‌هاست. روابط مثبت والد-فرزند به شکل غیرمستقیم و از طریق تقویت راهبردهای مقابله‌ای، اثر محافظتی خود را اعمال می‌کنند. این یافته‌ها اهمیت طراحی مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها را برجسته می‌کند تا پیامدهای منفی روابط ضعیف کاهش یابد. مسیر غیرمستقیم میان کیفیت رابطه والد-فرزند و آسیب‌پذیری نوجوانان، چارچوب نظری و عملی قوی برای ارتقای سلامت روان نوجوانان ارائه می‌دهد.

فرضیه اصلی: الگوی ساختاری رابطه تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان و نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای با داده‌های گردآوری شده برازش دارد.

برای بررسی فرضیه فوق از آزمون معادلات ساختاری استفاده شده است بر اساس نتایج این فرضیه مورد تایید واقع شده است. نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است و با داده‌های گردآوری شده سازگاری دارد. این یافته بیانگر آن است که روابط نظری بین متغیرهای تعارض‌های خانوادگی، کیفیت رابطه والد-فرزند، راهبردهای مقابله‌ای و آسیب‌پذیری نوجوانان در عمل نیز به‌طور تجربی تأیید شده‌اند. برازش مدل نشان می‌دهد که متغیرهای مداخله‌گر و مسیرهای علی در چارچوب مدل به‌خوبی می‌توانند تغییرات آسیب‌پذیری را توضیح دهند. بنابراین، می‌توان گفت که الگوی ارائه‌شده یک ساختار مفهومی مناسب برای تبیین آسیب‌پذیری نوجوانان در زمینه روانی-اجتماعی فراهم کرده است.

یکی از نقاط قوت این مدل، گنجاندن راهبردهای مقابله‌ای به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد-فرزند با آسیب‌پذیری نوجوانان است. تحلیل مسیر نشان داد که این متغیر نقش واسطه‌ای معناداری ایفا می‌کند و بخشی از اثرات غیرمستقیم تعارض‌های خانوادگی و رابطه والد-فرزند از طریق راهبردهای مقابله‌ای منتقل می‌شود. این یافته اهمیت توانمندسازی نوجوانان در مهارت‌های مقابله‌ای را برجسته می‌سازد. حتی در شرایط تنش‌زا، نوجوانانی که به راهبردهای مؤثر دسترسی دارند، کمتر دچار آسیب‌پذیری شدید می‌شوند. بنابراین، نقش راهبردهای مقابله‌ای در ساختار علی مدل کاملاً تأیید و پشتیبانی شده است.

برآزش مطلوب مدل نشان می‌دهد که ترکیب سه متغیر تعارض‌های خانوادگی، کیفیت رابطه والد-فرزند و راهبردهای مقابله‌ای، می‌تواند بخش قابل توجهی از واریانس آسیب‌پذیری نوجوانان را تبیین کند. شاخص‌های برازندگی مانند CFI، RMSEA و Chi-square نشان‌دهنده انطباق بالای مدل نظری با داده‌های تجربی هستند. این موضوع اعتبار نظریه‌های استفاده‌شده در

طراحی مدل را نیز تأیید می‌کند. از این منظر، مدل حاضر نه تنها ابزاری برای فهم روابط بین متغیرهاست، بلکه می‌تواند به عنوان یک چارچوب برای مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی نیز به کار رود.

ساختار مدل حاکی از آن است که آسیب‌پذیری نوجوانان یک پدیده‌ی چندعاملی است که تحت تأثیر عوامل بین‌فردی (مانند رابطه والد-فرزند)، درون‌خانوادگی (مانند تعارض‌ها) و فردی (مانند راهبردهای مقابله‌ای) قرار دارد. این مدل، نگاهی جامع و سیستمی به مسئله آسیب‌پذیری دارد و از تبیین‌های ساده‌انگارانه پرهیز می‌کند. چنین نگاهی با نظریه‌های نوین در روان‌شناسی توسعه و خانواده هم‌راستا است که تأکید دارند رفتار نوجوان نتیجه‌ی تعامل چندمنبعی از عوامل محیطی و فردی است. این نگاه کل‌نگر برای طراحی برنامه‌های پیشگیری و درمان اهمیت فراوانی دارد.

مدل ساختاری همچنین به خوبی تفاوت بین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را روشن می‌سازد. برای مثال، تعارض‌های خانوادگی هم مستقیماً بر آسیب‌پذیری نوجوانان اثر دارد و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق کاهش کیفیت رابطه والد-فرزند و تضعیف راهبردهای مقابله‌ای این اثر را تقویت می‌کند. چنین بینشی کمک می‌کند تا مداخلات درمانی نه فقط بر رفع علائم بلکه بر علل عمیق‌تر و زیرساختی تمرکز کنند. این ویژگی، مدل را از تحلیل‌های ساده رگرسیونی متمایز کرده و آن را به ابزاری کاربردی برای فهم دینامیک روانی نوجوانان بدل می‌سازد.

پذیرفته شدن فرضیه اصلی و برازش مناسب مدل، نشان می‌دهد که ساختار روانی نوجوانان به شدت تحت تأثیر کیفیت محیط خانوادگی آن‌ها قرار دارد. رابطه مثبت والد-فرزند و کاهش تعارض‌های خانوادگی می‌تواند مسیر آسیب‌پذیری نوجوان را به‌طور قابل توجهی تغییر دهد. در عین حال، نوجوانان باید به مهارت‌های روانی برای مواجهه با مشکلات نیز مجهز باشند تا در صورت بروز تنش‌های اجتناب‌ناپذیر، بتوانند از خود محافظت کنند. این الگوی ساختاری، هم زمینه‌های پیشگیرانه و هم جنبه‌های درمانی را در بر می‌گیرد. از این نظر، می‌توان آن را یک مدل مداخله‌محور و عملی دانست.

تأیید مدل نظری پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای مورد بررسی، روابط علی منسجم و معناداری وجود دارد که می‌توانند آسیب‌پذیری نوجوانان را پیش‌بینی کنند. این نکته تأکیدی است بر اینکه درمان یا پیشگیری از آسیب‌پذیری تنها با تمرکز بر یک عامل مانند مشاوره فردی کافی نیست. بلکه باید هم‌زمان کیفیت روابط خانوادگی بهبود یابد، تعارض‌ها کاهش یابند و مهارت‌های روانی نوجوان تقویت شود. الگوی به‌دست آمده در این پژوهش، راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران آموزشی، روان‌شناسان بالینی و مشاوران خانواده در طراحی برنامه‌های جامع خواهد بود.

علاوه بر جنبه‌های نظری، تأیید این مدل ساختاری کاربردهای عملی متعددی دارد. می‌توان از آن در برنامه‌ریزی آموزش خانواده، مشاوره مدرسه، تدوین محتوای درسی برای آموزش مهارت‌های زندگی و طراحی کارگاه‌های روان‌شناسی استفاده کرد. از آنجا که این مدل از داده‌های واقعی و قابل تعمیم حمایت می‌شود، می‌تواند در محیط‌های فرهنگی مشابه نیز پیاده‌سازی شود. همچنین، تحلیل مسیرها در این مدل می‌تواند به اولویت‌بندی مداخلات کمک کند؛ مثلاً در خانواده‌هایی که تعارض شدید دارند، تمرکز نخست بر بهبود ارتباطات خانوادگی و سپس آموزش مقابله‌ای خواهد بود.

در مجموع، برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش، تأییدی است بر اعتبار علمی و عملی فرضیه اصلی. نتایج این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که برای درک و کاهش آسیب‌پذیری نوجوانان باید به‌صورت هم‌زمان به عوامل محیطی، تعاملی و روان‌شناختی توجه داشت. تنها در این صورت است که می‌توان مداخلاتی مؤثر و پایدار برای حمایت از سلامت روان نوجوانان طراحی و اجرا کرد. الگوی ساختاری ارائه‌شده در این پژوهش، می‌تواند مبنایی برای تحقیقات آتی و گسترش دانش کاربردی در حوزه روان‌شناسی رشد، خانواده و آموزش باشد.

پیش‌بینی آسیب‌پذیری نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی و کیفیت رابطه والد فرزند با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای

پیشنهادات

پیشنهادات پژوهشی

- در پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود از طرح‌های پژوهشی طولی استفاده شود تا روابط علی بین تعارض‌های خانوادگی، کیفیت رابطه والد-فرزند، راهبردهای مقابله‌ای و آسیب‌پذیری نوجوانان با دقت بیشتری بررسی شود و تغییرات این روابط در طول زمان مشخص گردد.
- پیشنهاد می‌شود نمونه‌گیری در تحقیقات بعدی شامل گروه‌های سنی مختلف، مناطق جغرافیایی متنوع و زمینه‌های فرهنگی متفاوت باشد تا قابلیت تعمیم یافته‌ها به جمعیت‌های وسیع‌تر افزایش یابد.
- پژوهش‌های آینده می‌توانند نقش متغیرهای روانی، اجتماعی و محیطی مانند حمایت اجتماعی، سبک‌های فرزندپروری، و شرایط اقتصادی خانواده را به عنوان عوامل مؤثر در مدل بررسی کنند تا دید جامع‌تری نسبت به عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری نوجوانان حاصل شود.
- توصیه می‌شود در مطالعات بعدی از روش‌های جمع‌آوری داده چندگانه (مثل مشاهده، مصاحبه و گزارش والدین) استفاده شود تا سوگیری خودگزارشی کاهش یافته و اعتبار داده‌ها افزایش یابد.
- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای انجام شود که از دیدگاه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و آموزش برای درک بهتر پیچیدگی‌های آسیب‌پذیری نوجوانان بهره ببرند.

پیشنهادات کاربردی

۱. خانواده‌ها و والدین می‌توانند با آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت تعارض، کیفیت رابطه خود با نوجوانان را بهبود بخشیده و از بروز آسیب‌پذیری در آنان پیشگیری کنند.
 ۲. مؤسسات آموزشی و مراکز مشاوره می‌توانند برنامه‌هایی برای تقویت راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان طراحی و اجرا کنند تا آنان بهتر بتوانند با فشارهای روانی و اجتماعی مواجه شوند.
 ۳. توصیه می‌شود کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای والدین برگزار شود تا با اهمیت کیفیت رابطه والد-فرزند و تاثیر تعارض‌های خانوادگی بر سلامت روان نوجوانان آشنا شوند و راهکارهای مؤثر را بیاموزند.
 ۴. سیاست‌گذاران و مدیران حوزه آموزش و پرورش می‌توانند با توسعه برنامه‌های حمایت روانی-اجتماعی در مدارس، فضای امن و حمایتی برای نوجوانان فراهم کنند و زمینه کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها را فراهم آورند.
- همچنین، مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند در فرآیند مداخله‌های درمانی، هم‌زمان به بهبود روابط خانوادگی و ارتقاء مهارت‌های مقابله‌ای نوجوانان توجه کنند تا نتایج مداخلات پایدارتر و مؤثرتر باشد.

منابع

- [۱] حسینیان، س.، و همکاران (۱۳۹۵). بررسی راهبردهای مقابله‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله روانشناسی مدرسه*، ۵ (۲)، ۴۵-۶۰.
- [۲] رحیمی، م.، احمدی، ر.، و کاظمی، ف. (۱۳۹۸). ارتباط راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور با استرس و رضایت شغلی در کارکنان. *تهران: انتشارات دانشگاه تهران*.
- [۳] زارعی، ف.، و همکاران (۱۳۹۹). راهبردهای مقابله‌ای و تعارضات خانوادگی. *مجله خانواده و پژوهش*، ۷ (۱)، ۲۳-۳۸.
- [۴] علی‌زاده، ح.، و همکاران (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله‌ای و سلامت روان در دانشجویان. *مجله روانشناسی بالینی*، ۱۰ (۳)، ۱۱۲-۱۲۶.
- [۵] غضنفری، م.، و قدم‌پور، ر. (۱۳۸۷). مطالعه مقابله در روان‌شناسی سلامت: رویکردها و کاربردها. *تهران: انتشارات روان‌شناسی*.
- [۶] فتحی آشتیانی، ع.، و همکاران (۱۳۹۷). تفاوت‌های جنسیتی در راهبردهای مقابله‌ای. *مجله روانشناسی زنان*، ۶ (۳)، ۸۹-۱۰۴.
- [۷] کریمی، ع.، و همکاران (۱۳۹۶). رابطه راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی با اضطراب و افسردگی. *مجله روانشناسی عمومی*، ۱۲ (۴)، ۱۱۵-۱۰۲.
- [۸] محمدی، ز.، و همکاران (۱۳۹۷). اثربخشی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور بر کاهش تنش‌های روانی. *مجله روانشناسی بالینی*، ۱۰ (۱)، ۳۴-۵۰.
- [۹] محمدی، س. (۱۴۰۰). نقش کیفیت رابطه والد-فرزند در توسعه راهبردهای مقابله‌ای و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان. *تهران: انتشارات دانشگاه تهران*.
- [۱۰] محمودی، م. (۱۴۰۲). آسیب‌پذیری نوجوانان: بررسی روان‌شناختی و اجتماعی. *تهران: نشر رشد*.
- [۱۱] میلانی فر، ب. (۱۳۸۴). روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنائی. (چاپ هفدهم). *تهران: انتشارات قومس*
- [۱۲] انظری، م.، و همکاران (۱۳۹۸). حمایت اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای در بیماران مبتلا به سرطان. *مجله روانشناسی سلامت*، ۹ (۱)، ۷۲-۵۶.
- [۱۳] هاشمی زاده، ف.، رضایی دهنوی، ص.، و منتجیان، ز. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش معنادرمانی مبتنی بر مکتب ملاصدرا بر رضایت زناشویی. *دین و سلامت*، ۸ (۲)، ۲۸-۴۰.
- [14] Agnew, R., et al. (2021). Coping with Strain: A Longitudinal Study of Delinquency. *Criminology*.
- [15] Allen, T. D., Johnson, R. C., & Kiburz, K. M. (2021). Work-Life Balance and Family Conflict: A Meta-Analysis. *Journal of Vocational Behavior*.
- [16] Amato, P. R., et al. (2021). Conflict in Blended Families: The Role of Step-Parenting and Resource Allocation. *Family Relations*.
- [17] Baumrind, D. (2013). Effects of Authoritative Parental Control on Child Behavior. *Child Development*.
- [18] Beck, A. T. (1976). *Cognitive Therapy and the Emotional Disorders*. International Universities Press.
- [19] Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. Jason Aronson.
- [20] Bronfenbrenner, U. (1979). *The Ecology of Human Development*. Harvard University Press.
- [21] Choi, Y., He, M., & Harachi, T. W. (2021). Intergenerational Cultural Conflict and Family Cohesion in Immigrant Families. *Journal of Marriage and Family*.

- [22] Choi, Y., He, M., & Harachi, T. W. (2021). Intergenerational Cultural Conflict and Family Cohesion in Immigrant Families. *Journal of Marriage and Family*.
- [23] Christensen, A., et al. (2020). Integrative Behavioral Couple Therapy: A Decade of Research. *Journal of Marital and Family Therapy*.
- [24] Coser, L. A. (1956). *The Functions of Social Conflict*. Free Press.
- [25] Cummings, E. M., et al. (2020). Emotional Security Theory: Advances and Applications. *Child Development Perspectives*.
- [26] Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994). Marital Conflict and Child Adjustment: An Emotional Security Hypothesis. *Psychological Bulletin*.
- [27] Epstein, N. B., et al. (2022). Cognitive-Behavioral Therapy for Family Conflict: A Randomized Controlled Trial. *Journal of Family Psychology*.
- [28] Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. W. W. Norton & Company.
- [29] Ganong, L., Coleman, M., & Jamison, T. (2021). Blended Family Dynamics: Challenges and Opportunities. *Family Relations*.
- [30] Kelly, J. F., Hoepfner, B., & Stout, R. L. (2020). Substance Abuse and Family Conflict: A Review of the Literature. *Addiction Research & Theory*.
- [31] Kelly, J. F., Hoepfner, B., & Stout, R. L. (2020). Substance Abuse and Family Conflict: A Review of the Literature. *Addiction Research & Theory*.
- [32] Marcia, J. E. (2020). Identity in Adolescence: A Revisitation. *Journal of Adolescent Research*.
- [33] Masten, A. S. (2001). *Ordinary Magic: Resilience Processes in Development*. American Psychologist.
- [34] Rogers, C. R. (1951). *Client-Centered Therapy*. Houghton Mifflin.
- [35] Saff, K., et al. (2021). Attachment and Adolescent Mental Health: A Review. *Journal of Youth and Adolescence*.
- [36] Segrin, C., Wosidlo, A., & Rittenour, C. E. (2020). Conflict with In-Laws and Marital Satisfaction: A Longitudinal Study. *Journal of Social and Personal Relationships*.
- [37] Segrin, C., Wosidlo, A., & Rittenour, C. E. (2020). Conflict with In-Laws and Marital Satisfaction: A Longitudinal Study. *Journal of Social and Personal Relationships*.
- [38] Skinner, B. F. (1953). *Science and Human Behavior*. Macmillan.
- [39] Skowron, E. A., et al. (2020). Differentiation of Self and Family Functioning: A Meta-Analysis. *Journal of Marital and Family Therapy*.
- [40] Skowron, E. A., et al. (2020). Differentiation of Self and Family Functioning: A Meta-Analysis. *Journal of Marital and Family Therapy*.
- [41] Walker, A. J., et al. (2021). Gender Roles and Family Conflict: A Cross-Cultural Analysis. *Journal of Marriage and Family*.
- [42] Walker, A. J., et al. (2021). Gender Roles and Family Conflict: A Cross-Cultural Analysis. *Journal of Marriage and Family*.
- [43] White, M., & Epston, D. (1990). *Narrative Means to Therapeutic Ends*. Norton.